

توزیع اعتبارات مالی در لرستان در عهد پهلوی اول

محسن رحمتی*

محمد دالوند**

چکیده

دولت پهلوی اول، از طریق تخصیص اعتبارات مالی لازم می‌کوشید تا برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مورد نظر خود را در لرستان به عنوان یک منطقه با ویژگی‌های خاص، محقق سازد. در این مقاله با شیوه توصیفی-تحلیلی، نحوه توزیع اعتبارات مالی در لرستان در عهد پهلوی اول مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در دوره پهلوی اول، ارتش به عنوان مهم‌ترین نهاد جهت تحقق اهداف دولتی در لرستان به شمار می‌رفت. در نتیجه، اجرای برنامه‌های دولتی و توزیع اعتبارات مالی در این منطقه عمدتاً متکی بر ارتش و فرماندهان نظامی بود که عموماً اعتبارات دریافتی را در اموری چون جذب عشایر لرستان، پرداخت حقوق افسران ارتش، تأمین تدارکات نظامیان، تأسیس مدارس عشایری و احداث سازه‌های نظامی استفاده نمودند.

کلیدواژه‌ها: لرستان، اعتبارات مالی، ارتش، پهلوی اول، اسکان عشایر.

۱. مقدمه

برنامه‌ریزی و تخصیص اعتبارات مالی جهت اجرا و تحقق آن‌ها، از مهمترین وظایف هر دولت است. با این حال در سال‌های پایانی حکومت قاجاریه، به رغم وجود مجلس شورای ملی، در مناطق مختلف کشور به ویژه لرستان در زمینه برنامه‌ریزی در ابعاد مختلف سیاسی- فرهنگی و اقتصادی و تخصیص اعتبارات لازم در این موارد اقدامات چندانی صورت نگرفت یا اینکه اگر اعتباری اختصاص داده شد، از حدود پرداخت

* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول)، mohsenrahmati45@gmail.com

** کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه لرستان، mo.dalvand56@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵

حقوق سواران چریک عشایری و انعام کدخدایان فراتر نرفت. از عوامل این امر، دخالت بیگانگان، ضعف حکومت مرکزی، وقوع جنگ جهانی اول و تعطیلی مجلس بود. با روی کار آمدن رضاخان، برنامه‌های زیادی در راستای اهدافی چون تمرکزگرایی، ایجاد امنیت و اجرای برنامه‌های نوسازی در سراسر کشور طراحی شد. لرستان به عنوان یک منطقه حائل بین تهران و منطقه نفت‌خیز خوزستان، جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌های دولتی داشت؛ به ویژه که این منطقه با بافت جمعیتی عشایری، مانع تحقق اهداف فرهنگی و اجتماعی دولت نیز به شمار می‌رفت. بنابراین، اجرای برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در لرستان و تحقق اهداف رضا شاه جز با استفاده از ارتش ممکن نبود. این امر، ابتکار عمل در لرستان، حتی در جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را نیز در دست ارتش قرار داد.

پهلوی اول بخشی از اعتبارات و بودجه دولتی را به مناطق مختلف از جمله لرستان اختصاص داد ولی با توجه به حضور غالب ارتش و اقتدار فرماندهان نظامی در این منطقه، بخش عمده اعتبارات مالی لرستان به وزارت جنگ اختصاص یافت تا در موارد مقتضی هزینه کنند. ستوده (۱۳۸۸) و امیراحمدی (۱۳۷۳ الف) در شرح تحولات لرستان در عهد پهلوی اول به مسأله اعتبارات و میزان دخالت ارتش به صورت پراکنده پرداخته‌اند اما از تبیین نحوه توزیع اعتبارات در دوره پهلوی اول در لرستان غفلت ورزیده‌اند. روح‌الله بهرامی (۱۳۷۷) نیز در مقاله خود به تبیین سیاست‌های پهلوی اول و اقدامات وی در لرستان پرداخته اما در زمینه توزیع اعتبارات مالی سخنی نگفته است. رحمتی - دالوند (۱۳۹۶) نیز فقط به تبیین نقش خوانین و متنفذین در برقراری امنیت در لرستان پرداخته‌اند ولی درباره توزیع اعتبارات مالی جز اشارات مختصر و پراکنده چیزی نگفته‌اند. بنابراین مقاله حاضر درصدد ارائه پاسخ به این پرسش است که توزیع اعتبارات مالی در لرستان در عهد پهلوی اول چگونه بود؟

۲. تخصیص اعتبارات در لرستان در آستانه دولت پهلوی اول

در اواخر حکومت قاجار، تحت تأثیر عوامل متعدد، اوضاع کشور آشفتگی و امور مملکت از هم گسیخته شد (کسروی، ۱۳۹۰: ۹). لرستان نیز متأثر از شرایط عمومی کشور مقارن انقلاب مشروطیت در ناامنی و آشوب قرار داشت. به همین دلیل از این دوره تا ظهور رضاخان به نام دوره «خودسری» یاد می‌شود (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۹۱: ۶۷). در چنین

شرایطی جهت ایجاد امنیت، حکومت قاجار به درخواست حکام لرستان، قشونی را با اعتباراتی به این منطقه گسیل می‌داشت ولی آنها هدفی جز گرفتن مواجب و دادن گزارش‌هایی خلاف واقع به مرکز نداشتند (پهلوی، ۱۳۰۳: ۹۳). اولین حاکم قاجاری لرستان بعد از کودتای ۱۲۹۹ ش. عضدالسلطان بود. او برای ایجاد امنیت در این منطقه افزون بر مخارج خرید خلعت برای سران ایلات، اعتباری در حدود هفت هزار تومان جهت پرداخت حقوق و مواجب سربازان و دیگر مخارج در اختیار داشت (فرمانفرما، ۱۳۶۶: ۱۰۰۷/۲). از دیگر اعتباراتی که در حکومت یک‌ساله عضدالسلطان از رئیس‌الوزرای وقت - قوام‌السلطنه - درخواست شد، حقوق حاکم خرم‌آباد (معین‌السلطنه) بود (ستوده، ۱۳۸۸: ۲۸۳). آخرین حاکم قاجاری لرستان، عباس‌میرزا سالار لشکر بود که برای اجرای سیاست تحیب قلوب سران ایلات و عشایر خواستار اعتبار ماهیانه - هزار تومان - از مرکز درخواست نمود (فرمانفرما، ۱۳۶۶: ۱۰۲۰/۲). ناگفته پیداست اعتبارات ناچیزی که از طرف دولت مرکزی در سال‌های پایانی حکومت قاجار به لرستان تخصیص داده شد، از هزینه‌های خرید خلعت، مواجب سربازان و حقوق حاکم - که با هدف تأمین امنیت پرداخت می‌شد - فراتر نمی‌رفت.

پس از تسلط قوای رضاخان بر لرستان در آذر ۱۳۰۲ که منجر به یک دهه درگیری میان قوای نظامی و ایلات و عشایر شد (نک: رحمتی - دالوند، ۱۳۹۶: ۱۵۳ - ۱۳۷) روش تخصیص اعتبارات به مناطق مختلف کشور از جمله لرستان تغییر یافته، از بعد سیاسی فراتر رفت و اهداف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را هم در بر گرفت. پهلوی اول از این امر اهداف زیر را جستجو می‌کرد:

الف - خاتمه سرکشی‌های ایلات: رؤسای طوایف لرستان مقارن ظهور رضاخان هر یک بر قسمتی از لرستان نفوذ داشته و دامنه نامنی‌های آنها تا شهرهای اراک، ساوه، ملایر و نهاوند نیز کشیده شده بود (والیزاده، ۱۳۸۲: ۳۷). بنابراین پهلوی اول جهت ایجاد امنیت در لرستان قریب به یک دهه (۱۳۱۲ - ۱۳۰۲) طی یک رشته عملیات نظامی توانست به اقتدار آنها پایان دهد. از این رو بخشی از اعتبارات دولت جهت سرکوب عشایر پرداخت گردید.

ب - دسترسی به منابع نفتی خوزستان: خوزستان همواره از نظر اقتصادی مورد توجه دولت‌ها بود ولی از زمان کشف نفت اهمیت آن دوچندان گردید. رضاخان نیز جهت تأمین هزینه برنامه‌های خود به منابع نفتی خوزستان که در انحصار انگلیس بود، چشم دوخته بود

(والیزاده، ۱۳۸۲: ۲۴-۲۳). از آنجا که راه ارتباطی خوزستان از لرستان می‌گذشت، تخصیص مقداری از اعتبارات دولت جهت تأمین امنیت لرستان ضرورت داشت.

ج- اسکان عشایر از طریق ایجاد اختلاف بین رؤسای ایلات و طوایف. رضاشاه و مجریان سیاست او در لرستان با پرداخت حقوق و پاداش به خوانین دولتخواه آنها را همسو با اهداف خود قرار داده، علیه رؤسای طوایف یاغی برانگیختند.

د- اجرای برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی در لرستان همچون اسکان عشایر، تأسیس مدارس و جز آن نیز از اهداف تخصیص و توزیع اعتبارات مالی در لرستان بود که با دخالت فرماندهان ارتش انجام گرفت.

بنابراین ارتش از طرق مختلف به اجرای برنامه‌های دولت و تحقق اهداف فوق یاری رساند و نقش خود را ایفا نمود که در محورهای زیر به آنها پرداخته می‌شود.

۳. اعتبارات جذب عشایر

در طرح تمرکزگرایی رضاشاه خوانین لرستان به دو دسته دولتخواه و غیردولتخواه تقسیم شدند؛ چنانکه دست کم نیمی از مردم به سبب رقابت و اختلافی که با هم داشتند، برای نبودی دشمنان خود در قالب نیروهای چریکی به نیروهای دولتی می‌پیوستند (دالوند، ۱۳۸۵: ۱۲۲). بنابراین فرماندهان ارتش با توزیع اعتبارات مالی، از خوانین دولتخواه به عنوان ابزاری جهت تحقق استقرار امنیت در منطقه استفاده نمودند (رحمتی-دالوند، ۱۳۹۶: ۱۵۱). این اعتبارات شامل پاداش خوانین و کدخدایان، پرداخت حقوق سواران عشایری و انعام قاصدان محلی (یعنی افرادی که با آگاهی از مسیرها، به عنوان راهنما یا بلدچی عمل می‌کردند) می‌شد. این افراد در اموری مانند خلع سلاح ایلات (والیزاده معجزی، ۱۳۸۲: ۱۸۴)، پروژه راه‌سازی (امیراحمدی، ۱۳۷۳: ۲۱۶)، سرکوب عشایر نافرمان (غضنفری امرایی، ۱۳۹۳: ۹۸۰/۲) و جمع‌آوری مالیات‌ها (اسناد خانوادگی نصرت اسکندری) به ارتش مساعدت رساندند.

این طیف از خوانین علاوه بر انتصاب به عنوان حاکم یا رئیس طایفه (رحمتی-دالوند، ۱۳۹۶: ۱۴۴) از انعام، پاداش و حقوق نیز برخوردار می‌شدند؛ چنانکه در سال ۱۳۰۶ به کدخدایان طایفه دریکوند و عشایر آنها موجبی به عنوان انعام پرداخت شد. حتی اعتبار خرید قند مصرفی عشایر دولتخواه به مبلغ ۳۳ تومان و جیره نقدی آنها به مبلغ ۹۶ تومان، از

اعتبارات اردوی لرستان پرداخت گردید (آرشیو اسناد و کتابخانه ملی غرب کشور/ همدان، سند ش ۹۱/۲۸۰/۱۰۳). در سال ۱۳۰۷ امیراحمدی با حمایت سواران چریک علی محمد خان غضنفری، خان منطقه کوهدشت، در منطقه «کوه نمک» - در جنوب غربی لرستان - با دریکوندها درگیر شد (امیراحمدی، ۱۳۷۳: ۳۲۹، ۳۲۸). این در حالی بود که قبل از آن مقداری از اعتبارات ارتش به عنوان انعام به تعدادی از سران ایلات و عشایر دولتخواه پرداخت شده بود (آرشیو اسناد و کتابخانه ملی غرب کشور/ همدان، سند ش ۹۱/۲۸۰/۴۰). در شهریور همین سال نیز طوایف بیرانوند و سپهوند تعدادی سوار برای همکاری در اختیار ارتش قرار دادند و ارتش نیز مواجب آنها را پرداخت نمود (آرشیو اسناد و کتابخانه ملی غرب کشور/ همدان، اسناد ش ۹۱/۲۸۰/۴۰، ۹۱/۲۸۰/۶۲). روند پرداخت اعتبارات دولت به عنوان انعام یا پاداش به کدخدایان جهت جذب آنها به دولت نوگرای پهلوی اول در سال‌های بعد نیز ادامه داشت.

برخی از مردم منطقه نیز به عنوان «راهنمای بلد محلی» در اردوکنشی و ارائه گزارش فعالیت ایلات نافرمان، به قوای دولتی یاری می‌رساندند و پاداش می‌گرفتند (قراگوزلو، ۱۳۸۸: ۸۵، ۵۶؛ امیراحمدی، ۱۳۷۳ ب: ۳۶۷؛ آرشیو اسناد و کتابخانه ملی غرب کشور/ همدان، سند ش ۹۱/۲۸۰/۱۰۳). شایان ذکر است اعتبارات ارتش جهت جذب عشایر فقط پرداخت وجه نقد نبود و در مواقعی نیز از این اعتبارات به صورت خرید خلعت - که شامل لباس، ساعت، مدال طلا و موارد دیگر بود - استفاده می‌شد؛ منصور خان بیرانوند و رستم خان طولابی از جمله سران متنفذ لرستانی بودند که به دلیل مساعدت با قوای نظامی موفق به دریافت خلعت از فرماندهان ارتش شدند (شاه‌بختی، ۱۳۷۳: ۵۹؛ ستوده، ۱۳۸۸: ۴۲۰؛ آرشیو اسناد و کتابخانه ملی غرب کشور/ همدان، سند ش ۹۱/۲۸۰/۴۰).

در همین رابطه، امیراحمدی در نامه‌ای که به نخست وزیر، مستوفی الممالک، نوشت، خواستار اخذ اعتباراتی جهت خرید گاو، سه خروار گندم و مبلغ پانصد ریال برای هر فرد لرستانی شد. مستوفی الممالک نیز اعتبارات درخواستی را تأمین و به لرستان ارسال کرد (امیراحمدی، ۱۳۷۳ الف: ۳۴۳، ۳۴۲). در مواقعی هم که ارتش، اعتبار کافی برای جذب عشایر نداشت، فرزندان باسواد خوانین را در ادارات دولتی استخدام می‌کرد (غضنفری امرایی، ۱۳۹۳: ۱۲۴۶؛ قاسمی، ۱۳۷۸: ۴۸) تا آنها را به اهداف بلند پروازانه پهلوی اول در لرستان آشنا و علاقمند سازد.

۴. اعتبارات مدارس عشایری

میزان اعتبارات و بودجه وزارت فرهنگ و معارف در دوره رضاشاه ۴٪ کل بودجه کشور بود. این میزان کمتر از $\frac{1}{8}$ مبالغ هنگفتی بود که صرف امور نظامی می‌شد (ایوانف، ۱۳۵۶: ۸۷). نظام آموزش و پرورش در دوره رضاشاه اصلاح شد؛ تحصیلات ابتدایی برای کودکان ۶ تا ۱۳ ساله اجباری و همچنین دوره متوسطه بر پایه برنامه آموزشی کشور فرانسه طرح‌ریزی گردید. بنابراین بین سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۸ تعداد مدارس ابتدایی چهار برابر و مدارس متوسط نیز شش برابر شد (غنی، ۱۳۷۸: ۴۱۹، ۴۱۸). آنچه در این زمینه مهم است، دخالت ارتش در تأسیس مدارس و اعتبارات مربوط به آن در لرستان است. دبستان‌های شهر که به دست نظامیان و به الگوی پادگان‌های نظامی ساخته شده بود، نقش یک سپاه تبلیغات را ایفا می‌کرد (دالوند، ۱۳۸۵: ۱۴۱). در راستای این سیاست، وزارت مالیه اعتباراتی را جهت تأسیس مدرسه و تحصیل شاگردان لرستانی در اختیار منطقه لرستان قرار داد.

پس از ورود ارتش به لرستان یکی از اقدامات مهم سرلشکر امیراحمدی، تأسیس مدارس و آموزش به شیوه جدید در خرم‌آباد بود (والیزاده معجزی، ۱۳۸۲: ۱۳۶). بنابراین در نتیجه اقدامات وی دبستان سپه در سال ۱۳۰۳ در محله باباطاهر خرم‌آباد تأسیس شد (یزدپناه، ۱۳۷۸: ۲۲۱) که اعتبار آن از طرف وزارت معارف پرداخت شد. سرهنگ محمودخان پولادین، فرماندار خرم‌آباد روزانه برای بازدید به این دبستان می‌آمد. وی در این مدرسه تاریخ نیز تدریس می‌کرد (قاسمی، ۱۳۷۸: ۷۵). به نظر نمی‌رسد سرهنگ پولادین از اعتبارات ارتش جهت تدریس در این دبستان حقوقی دریافت کرده باشد.

سرتیپ محمدخان شاه‌بختی نیز در امر مدرسه‌سازی در لرستان نقش مهمی داشت. در دوره فرماندهی وی به سال ۱۳۰۶ یک مدرسه شش کلاسه به نام «اتحادیه ملی پهلوی خرم‌آباد» تأسیس شد که بودجه سالیانه آن در حدود هزار و دویست تومان بود (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند ش ۶-۱/۶۳۶-۲۹۳).

در سال ۱۳۰۷ تعدادی از فرزندان رؤسای عشایر لرستان و کهگیلویه، ظاهراً جهت تحصیل ولی در واقع به عنوان گروگان به خرم‌آباد آورده شدند و در منازل تجار خرم‌آباد اسکان گزیدند. مجموع این عده ۲۸ نفر بود ولی امیراحمدی جهت تأمین اعتبارات لازم برای نگهداری آنها تعدادشان را چهل نفر به تهران گزارش نمود (روستایی، ۱۳۷۹: ۵۶). این دانش‌آموزان در دبستان‌های سپه و پهلوی خرم‌آباد به تحصیل مشغول شدند و بعد از چندی

هم از اعتبارات دولت و با نظارت فرماندهان ارتش ساختمانی به نام دارالتربیه عشایری ساخته شد که به صورت شبانه‌روزی فعالیت می‌کرد (سراجی، ۱۳۸۸: ۶۰).

در آبان و آذر ۱۳۰۷ مبلغی جهت اداره دارالتربیه عشایری لرستان و مبلغی جهت خرید لوازم‌التحریر برای آن تخصیص یافت (آرشیو اسناد و کتابخانه ملی غرب کشور/همدان، سند ش ۱۰۳/۲۸۰/۹۱). در تیر ماه ۱۳۰۸ امیراحمدی، فرم اعتبار هزینه‌های دارالتربیه عشایری لرستان را تنظیم و به وزارت معارف فرستاد تا اعتبارات لازم را پرداخت نماید. این درخواست شامل حقوق رئیس دارالتربیه، کمک خرج معلم شبانه، معلم ورزش، پرستار، لوازم‌التحریر، اجرت حمام و پیرایش، کرایه عمارت دارالتربیه، کتب محصلین و موارد دیگر بود. اعتبار سالانه این دارالتربیه در سال مذکور ۵۹۲۰ تومان و ۷ ریال بود که اداره تعلیمات عمومی آن را پرداخت نمود (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند ش ۲۹۷۲۷۷۱۷). علی رزم‌آرا، فرمانده تیپ مستقل لرستان طی سال‌های ۱۳۱۴-۱۳۱۱ نیز به دارالتربیه عشایری اهمیت فوق‌العاده‌ای داد. او خود از دارالتربیه دیدن می‌کرد تا در جریان امور این مرکز قرار گیرد (سراجی، ۱۳۸۸: ۵۴). در تیر ۱۳۱۱، از اعتبارات دولت جشن فارغ‌التحصیلی دارالتربیه عشایری خرم‌آباد برگزار و طی آن دو گلدان نقره از طرف فرمانده تیپ به دو تن از شاگردان آنجا اهدا شد (اطلاعات، ۱۳۱۱: ۲).

در اواسط دوران فرماندهی رزم‌آرا به دلیل کمبود اعتبارات، بین ادارالتربیه از نظر ساختمان و وسایل رفاهی و آموزشی، وضعیت نامناسبی داشت، چنانکه در گزارش بازدید وی از مرکز در خرداد ۱۳۱۳ آمده است: «۱- هر چه سریع‌تر شروع به [احداث] ساختمان دارالتربیه گردد. زیرا محل فعلی آن بد، کثیف و گنجایش دانش‌آموزان را ندارد. ۲- وسایل مورد نیاز دارالتربیه از قبیل میز، نیمکت، لوازم آشپزخانه، تختخواب و.. به کل شکسته، کهنه و مندرس هستند. بنابراین مقرر فرمایید هر چه زودتر لوازمات مورد نیاز آنها بهتر شوند. ۳- نسبت به وضع البسه اطفال دستوراتی صادر شود که بیشتر مورد توجه قرار گیرد» (روستایی، ۱۳۷۹: ۵۳، ۵۴).

به نظر می‌رسد این گزارش به نحوی درخواست اعتبارات لازم جهت تأمین وسایل رفاهی - آموزشی و احداث ساختمان آن بوده است. به دنبال آن در سال ۱۳۱۳ اداره معارف در مکاتبه با حکومت لرستان خواستار احداث چهار باب دبستان در نقاط مختلف لرستان شد (سازمان اسناد ملی، سند ش ۲۹۷۰۳۷۸۸). در پاییز همین سال فرمانده تیپ مستقل لرستان (رزم‌آرا) طی جشنی با حضور کدخدایان، خوانین و اعیان لرستان اداراتی از جمله

ثبت احوال، نظام وظیفه و آموزش و پرورش را تأسیس نمود (والیزاده، ۱۳۸۲: ۲۳۷). تأسیس اداره آموزش و پرورش و اعتبارات تخصیص یافته به آن در این زمان نشان دهنده میزان دخالت ارتش در این زمینه است. پس از رزم‌آرا با توجه به فروکش کردن موج درگیری‌ها و ایجاد امنیت نسبی در لرستان از میزان دخالت فرماندهان ارتش و نظارت آنها بر اعتبارات مدرسه‌سازی کاسته شد.

۵. اعتبارات سازه‌های نظامی

اعتبارات مربوط به سازه‌های نظامی در لرستان در دوره پهلوی اول شامل هزینه‌های مربوط به ساخت برج‌ها و احداث قلعه‌ها می‌باشد که در دو محور به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۱.۵ برج‌سازی

پیش از پهلوی اول، ساخت برج‌های نظامی جهت ایجاد امنیت و مقابله با اشراک در مناطق مختلف ایران به ویژه لرستان مرسوم بود؛ در دوره‌ی محمدشاه، در ارتفاعات «کوه یافته» برج‌هایی ساخته بودند تا بر شهر خرم‌آباد اشرف داشته باشند (مینورسکی، ۱۳۹۵: ۹۳). در دوران مشروطه نیز ژاندارمری چند برج در کنار راه بروجرد- خرم‌آباد احداث کرده بود ولی با وقوع جنگ جهانی اول و خروج نیروهای ژاندارم از لرستان، ایلات و عشایر آنها را تخریب کردند (ستوده، ۱۳۸۸: ۴۱-۳۹).

دولت پهلوی اول به دلیل ویژگی‌های جغرافیایی لرستان، و به منظور جلوگیری از غارت کاروان‌ها و ایجاد امنیت، اعتباراتی را جهت احداث برج‌ها تخصیص داد که بخشی از آن شامل حقوق کارگر و بنا، هزینه‌های مصالح ساختمانی و وسایل مورد استفاده بود. اگر چه برج‌سازی از خطر جانی برای کارگران خالی نبود و گاهی هدف تیراندازی یاغیان قرار می‌گرفتند (والیزاده معجزی، ۱۳۸۲: ۶۳)، گروهان مهندسی لشکر غرب، برج‌سازی را وجهه همت خود قرارداد (شاه‌بختی، ۱۳۷۳: ۱۹۹). این برج‌ها در کنار راه‌ها و گاهی هم در کمر کوه‌ها که فاصله آنها با هم چندان زیاد نبود (هر سه کیلو متر یک برج) ساخته شدند (اردلان، ۱۳۸۳: ۲۴۸؛ قراگوزلو، ۱۳۸۸: ۱۳۳). نخستین برج‌ها در تیرماه ۱۳۰۱، در منطقه سیلاخور بین بروجرد و خرم‌آباد (ستوده، ۱۳۸۸: ۳۰۲)، در سال ۱۳۰۲ در کوه‌های مشرف

به خرم‌آباد مانند مُدبّه و مخمل‌کوه (غضنفری امرایی، ۱۳۹۳: ۹۸۱) ساخته شدند. در سال ۱۳۰۳ نایب اول صارم‌الملک به ریاست عمران و ساختمان ارتش منصوب شد که تعمیر قلعه تنگه زاهدشیر، قلعه ماسور و برج‌های بین راه خرم‌آباد و بروجرد را بر عهده گرفت (امیراحمدی، ۱۳۷۳: ۵۶). همچنین در این سال برج‌های دیگری همچون برج رنگرزان- در ۵۰ کیلومتری شرق خرم‌آباد- و برج تنگه شبیخون واقع در شمال خرم‌آباد ساخته شدند که نقش مهمی در مقابله با ایلات و عشایر یاغی داشتند (غضنفری امرایی، ۱۳۹۳: ۱۰۱۸).

در سال ۱۳۰۷ مسئولیت احداث راه خرم‌آباد- دزفول نیز از طرف وزارت فوائد عامه به امیراحمدی واگذار شد (اطلاعات، ۱۳۰۷: ۲). او نخست با استفاده از اعتبارات مالیه قشون به ساخت برج‌های دیدبانی در طول مسیر خرم‌آباد تا دزفول پرداخت (امیراحمدی، ۱۳۷۳: ۲۰۳؛ قراگوزلو ۱۳۸۸: ۱۲۳). افزون بر این امر، اداره مالیه قشون در سال ۱۳۰۷ اعتباری قابل توجه جهت احداث و تعمیر برج‌های بین راه بروجرد- خرم‌آباد (از جمله برج تنگه در گردنه زاغه) پرداخت نمود (آرشیو اسناد و کتابخانه ملی غرب کشور/همدان، اسناد ش ۹۱/۲۸۰/۵۷، ۹۱/۲۸۰/۴۰). در سال ۱۳۰۸ نیز مبلغی اعتبار جهت مرمت و یا احداث برج‌های واقع در شرق خرم‌آباد به نام تنگ ازنا، کنگرزه، سراب سیری، چک تقی و «خران‌ره» پرداخت شد (آرشیو اسناد و کتابخانه ملی غرب کشور/همدان سند ش ۹۱/۲۸۰/۵۷). بنابراین، اعتبارات مربوط به برج‌سازی تا ایجاد امنیت کامل در لرستان بطور منظم از طرف وزارت جنگ به اداره مالیه قشون در لرستان پرداخت می‌شد.

۲.۵ قلعه‌سازی

احداث قلعه‌ها در ایران پیشینه‌ای کهن دارد. در عهد پهلوی اول نیز در راستای ایجاد امنیت و اسکان عشایر در مناطق مختلف ایران از جمله لرستان قلعه‌هایی مرمت و یا ساخته شدند. قلعه‌های فلک‌الافلاک، جایدر، آبستان و قلعه‌های رعیتی در مسیر جاده‌ها از قلعه‌هایی بودند که در این منطقه با اعتبارات دولت بازسازی شدند.

در اواخر حکومت قاجار، به دلیل ناامنی و همچنین عدم توجه حاکمان قاجار به لرستان، از میزان اعتبارات دولت جهت تعمیر یا مرمت قلعه‌ها کاسته شد. حتی برخی از حاکمان قاجاری تا جایی پیش رفتند که جهت تهیه آجر ساختمان کاروان‌سرای محسن‌آباد در خرم‌آباد، به قلعه فلک‌الافلاک آسیب بسیار رساندند (ادموندز، ۱۳۹۵: ۸۲). اما با ورود ارتش پهلوی اول به لرستان قلعه فلک‌الافلاک مورد توجه قرار گرفت. آنچه نظامیان در شش ماهه

نخست ورودشان برای این قلعه انجام دادند در حد نظافت اتاق‌های قابل استفاده، سنگربندی و ایجاد استحکامات نظامی در آن بود (دالوند، ۱۳۸۸: ۱۱۳). به گفته‌ی امیراحمدی قلعه‌ی فلک‌الافلاک در آن زمان دارای چهار برج ویران بود که وی با استفاده از اعتبارات دریافتی، به جای آن‌ها، ساختمانها و عماراتی را جهت سکونت نظامیان و همچنین انبار مهمات ارتش را در درون قلعه ساخت (امیراحمدی، ۱۳۷۳ الف: ۳۳۳، ۹۴).

در سال ۱۳۰۷ ساختمان این قلعه مورد تعمیر اساسی قرار گرفت؛ هر یک از کارگران قبل از شروع به کار مبلغی را به عنوان مساعده دریافت کردند (آرشیو اسناد و کتابخانه ملی غرب کشور/ همدان، سند ش ۹۱/۲۸۰/۴۷). همچنین کمیسیون ساختمان قلعه، اعتبارات مربوط به درب‌های اتاق‌ها، شش جعبه شیشه، نقاشی درب‌ها و هزینه‌های مربوط به مصالح ساختمانی را تعیین نمود و استاد علی عسگر معمار نیز دست‌مزد احداث سی و دو اتاق در عمارت قلعه سپه دریافت کرد (آرشیو اسناد و کتابخانه ملی غرب کشور/ همدان، اسناد ش ۹۱/۲۸۰/۶۲، ۹۱/۲۸۰/۱۴۷). شایان ذکر است که میزان فعالیت‌های انجام شده به حدی بود که به‌رغم توزیع اعتبارات تخصیص یافته، تا سال ۱۳۲۰ ارتش هنوز بهاء مصالح ساختمانی را به برخی از فروشندگان پرداخت نکرده بود و آنها طی تلگرافی به مرکز خواستار احقاق حقوق خود شدند (قاسمی، ۱۳۹۰: ۲۷۸).

از دیگر قلعه‌هایی که جهت استفاده ارتش ساخته شد، قلعه جایدر- واقع در پل دختر کنونی- بود. این قلعه به عنوان پادگان ارتش در جنوب غربی لرستان، از این رو اهمیت ویژه داشت. در بهار و تابستان ۱۳۰۷ اعتباراتی جهت احداث یا مرمت این قلعه از سوی وزارت جنگ تخصیص داده شد. در این مدت، «پانزده نفر خشتمال و چهار نفر ناوه‌کش از بروجرد» با دریافت مساعده جهت کار در ساختمان قلعه جایدر اعزام شدند. مبالغی نیز جهت خرید بیست و پنج عدد نردبان برای استفاده در قلعه فوق هم تخصیص داده شد (آرشیو اسناد و کتابخانه ملی غرب کشور/ همدان، سند ش ۹۱/۲۸۰/۱۴۷). با تکمیل ساخت این قلعه، در سال ۱۳۰۸، آن‌جا محل جمع‌آوری سلاح‌ها و فشنگ‌های اخذ شده از ایلات شد و نقش مهمی در ایجاد امنیت لرستان ایفا کرد (ستوده، ۱۳۸۸: ۴۰۸).

از دیگر قلعه‌های نظامی در دوره پهلوی اول می‌توان به قلعه ماسور (در جنوب خرم‌آباد) قلعه مظفری در منطقه الشتر و قلعه زاغه (در ۳۵ کیلومتری شرق خرم‌آباد) اشاره کرد (شاه‌بختی، ۱۳۷۳: ۶۵، امیراحمدی، ۱۳۷۳: ۶۴؛ ستوده، ۱۳۸۸: ۱۳۰) ولی از میزان اعتبارات دولت جهت بازسازی و یا تعمیر آنها گزارشی در دست نیست.

افزون بر قلعه‌هایی که به منظور ایجاد پادگان با اعتبارات وزارت جنگ ساخته شدند، قلعه‌هایی نیز جهت اسکان ایلات و عشایر در لرستان احداث گردیدند که قلعه رعیتی نامیده می‌شدند. به گفته‌ی امیر احمدی

... این قلعه‌ها به تناسب محل و استعداد کشاورزی و احتیاج مردم ساخته می‌شد و عبارت بود از یک محوطه که دور تا دور آن اطاق و پشت اطاق‌ها محل اغنام و احشام بود و در چهار گوشه هر قلعه، چهار برج برای حفاظت درست شده بود که در مواقع لازم بتوان سنگربندی نمود و در حقیقت در موقع آرامش جای زندگی رعیتی مناسبی بود و در مواقع جنگ و اغتشاش از آن استفاده نظامی می‌شد ... (امیراحمدی، ۱۳۷۳ الف: ۳۳۳).

بنابراین این قلعه‌ها گرچه به منظور تخته قاپوی عشایر ساخته شدند ولی در هنگام شورش ایلات، مورد استفاده نظامی قرار می‌گرفتند.

در سال ۱۳۰۶ نقشه احداث این نوع قلعه‌ها از نظر مکان، تعداد و ارتفاع آنها به منظور تخصیص اعتبار با تحقیقات رئیس ستاد ارتش، فرمانده لشکر غرب و رئیس اداره راه تهیه شد (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران سند ش ۲۹۰۵۷۷). به دنبال آن در سال ۱۳۰۷ در هر دو فرسخ جهت تخته قاپوی ایلات و عشایر چندین قلعه رعیتی که گنجایش دویست خانوار داشتند، ساخته شدند (ناهید، ۱۳۰۷: ۷؛ اطلاعات، ۱۳۰۷: ۲) که از جمله‌ی آنها قلعه‌های جلگه گرگاه- در جنوب شرق شهر خرم‌آباد- و قلعه‌های ساحل رودخانه خرم‌آباد و رود کشکان بودند (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران سند ش ۱۲۰۹۹-۲۴۰). در تیرماه ۱۳۰۸ پس از تهیه نقشه‌های قطعی ساختمان قلعه‌های رعیتی در لرستان، افزون بر صد هزار تومان اعتبار اولیه، مبلغ دویست هزار تومان دیگر نیز جهت احداث قلعه‌های فوق تخصیص داده شد (حبل‌المتین، ۱۳۰۸: ۲۴). در مهر همین سال نیز جهت ساخت قلعه‌های فلاحتی ۱۵۸۰ تومان به لرستان پرداخت شد. مبلغ بیست و پنج هزار تومان اعتباری را که از سال ۱۳۰۷ به عنوان دیون پرداخت نشده بود، در سال ۱۳۰۸ جهت تکمیل قلاع لرستان تخصیص داده شد (حبل‌المتین، ۱۳۰۸: ۲۶). بنابراین اعتبارات زیادی برای ساخت قلعه‌های رعیتی در لرستان مانند برج‌ها و موارد دیگر با نظارت فرماندهان ارتش تخصیص و توزیع شد.

۶. حقوق نظامیان و کارکنان ارتش

میزان اعتبارات نظامی ایران در فاصله ساهای ۱۳۲۰-۱۳۰۰ بطور متوسط ۳۳/۵٪ از کل بودجه دولتی بود (ایوانف، ۱۳۵۶: ۶۸). رضاخان برای تأمین اعتبارات ارتش، درآمدهای حکومت حاصل از زمین‌های دولتی و مالیاتهای غیرمستقیم را در اختیار گرفت (آبراهامیان، ۱۹۲: ۱۴۹). بدین منظور یک هیأت مالی آمریکایی تحت نظارت میلسپو از سال ۱۳۰۱ به مدت پنج سال به کار پرداخت و حق‌الامتیاز نفت را که از مبادلات خارجی حاصل می‌شد، برای امور نظامی به کار رفت (کاسب، ۱۳۶۸: ۶۸۲).

در اوایل فروردین ۱۳۰۱ قانونی تحت عنوان «تقاعد (بازنشستگی) صاحب منصبان و افراد و سایر مستخدمین قشونی و ورثه آنها» تصویب شد که در آن مدت خدمت، سن بازنشستگی، مواجب و حقوق نظامیان مشخص شده بود (فراهانی، ۱۳۸۵: ۲). به نظر می‌رسد این قانون جهت ارتقاء جایگاه نظامیان در میان افسار مختلف مردم بود تا با فراغت خاطر به وظایف نظامی‌گری خود پردازند.

رضاشاه خوب می‌دانست که وفاداری ارتش به پرداخت منظم حقوق سربازان و افسران بستگی دارد (کرونین، ۱۳۸۷: ۶۸). افزون بر آن، وی سهم ویژه‌ای از اعتبارات را به امیران ارتش اختصاص داد (فوران، ۱۳۹۰: ۳۳۴). بنابراین بخشی از بودجه و اعتبارات وزارت جنگ مربوط به حقوق نظامیان و دیگر کارکنان ارتش در مناطق مختلف کشور از جمله لرستان بود. این اعتبارات توسط اداره مالیه قشون به فرماندهان فوج‌ها یا امرای لشکر غرب پرداخت می‌شد. به عبارت دیگر آنها اعتبارات فوق را از اداره مالیه قشون - که جزئی از وزارت جنگ بود - دریافت نموده، با احتساب مواجب هر یک از نظامیان به صورت روزشمار یا ماهیانه به آنها پرداخت می‌کردند. یکی از این فرماندهان سرهنگ محمدعلی خان بلوچ بود که طی حواله‌ای حقوق سه تن از افسران ارتش با درجه سروانی را از مالیه قشون دریافت نمود و به آنها پرداخت کرد (یکرنگیان، ۱۳۲۶: ۱۴۴؛ آرشیو اسناد و کتابخانه ملی غرب کشور/همدان، سند ش ۹۱/۲۸۰/۱۰۸). وی همچنین مبلغی را به عنوان اعتبار جیره‌ی نقدی دریافت و میان افسران ارتش به اعتبار درجه تقسیم کرد (آرشیو اسناد و کتابخانه غرب کشور/همدان، سند ش ۹۱/۲۸۰/۱۱۱).

بین سال‌های ۱۳۰۸-۱۳۰۴ اعتباری که به عنوان حقوق افسران در لرستان پرداخت شد براساس درجه بدین شرح بود: استوار ۱۵ تومان، ستوان یکم ۶۵ تومان، سرهنگ ۱۸۰ تومان و فوق‌العاده یک سرگرد روزی شش ریال. (آرشیو اسناد و کتابخانه ملی غرب کشور/همدان

اسناد ش ۹۱/۲۸۰/۲، ۹۱/۲۸۰/۱۱۱، ۹۱/۲۸۰/۶۲) بنابراین در فاصله سالهای ۱۳۱۲-۱۳۰۲ حقوق و پاداش حاکمان نظامی در لرستان توسط مالیه ارتش پرداخت می‌شد (آرشیو اسناد و کتابخانه ملی غرب کشور/ همدان، سند ش ۹۱/۲۸۰/۶۲).

به رغم نظرفوران، رزم آرا که خود فرمانده تیپ مستقل لرستان بوده در خاطرات خویش از حقوق ناچیز افسران ارتش ناراضی بوده و به گفته‌ی وی حتی ^۱/_۴ نیازهای آنها را برآورده نمی‌کرده است. بنابراین او مانند دیگر هم‌زمان خود در لرستان در پروژه راهسازی با پیمانکاران مشارکت نمود و سالانه هفت الی هشت هزار تومان درآمد کسب نمود (رزم آرا، ۱۳۹۳: ۱۲۱-۱۱۹). البته در پاره‌ای موارد از افسران ارتش که به مأموریت‌های نظامی اعزام می‌شدند ارتشاء نیز گزارش شده است (امیراحمدی، ۱۳۷۳: ۲۳۶). از آغاز ورود ارتش به لرستان تا سال ۱۳۱۲، این منطقه توسط حاکمان نظامی اداره می‌شد (والیزاده، ۱۳۸۲: ۲۷۴). رضاشاه با پرداخت پاداش به افسران ارتش آنان را به سمت حکام ولایات منصوب می‌کرد و از تخلفات مالی آنها چشم می‌پوشید (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۳۶). رضاشاه به دلیل توجه ویژه به لرستان، در سال ۱۳۱۵ جهت تحقیق از وضعیت این منطقه به خرم‌آباد آمد و از سربازخانه‌های لرستان و از وضع بد مواد غذایی سربازان از نزدیک بازدید کرد و نادرستی عملکرد آنها در هزینه کردن اعتبارات ارتش در لرستان را به فرماندهان گوشزد نمود (مصاحبه با نجم‌الدین مصدق ۹۵/۹/۲۶).

افزون بر اعتبارات مربوط به حقوق یا پاداش افسران، پرداخت مواجب خیاطان، عکاسان و پزشکان ارتش نیز از طرف وزارت جنگ پرداخت می‌شد. به عنوان نمونه فوق‌العاده حقوق یک ماهه یک نفر پزشک با درجه سرگردی در سال ۱۳۰۸ سی و یک تومان بود. با این حال تعدادی از پزشکان ارتش بعد از ساعت اداری در خرم‌آباد در مطب شخصی بیماران را به مبلغ ۵ ریال ویزیت می‌کردند (محمدی، ۱۳۷۹: ۲۸؛ آرشیو اسناد و کتابخانه ملی غرب کشور/ همدان اسناد ش ۹۱/۲۸۰/۴۰، ۹۱/۲۸۰/۱۰۸). بنابراین، یکی از مهمترین جنبه‌های توزیع اعتبارات مالی لرستان در راستای پرداخت حقوق و تأمین هزینه زندگی شخصی نیروهای ارتشی بوده است.

۷. تدارکات

در اوایل دهه‌ی ۱۳۰۰ تدارکات ارتش جزء شعبه‌ی مباشرت کل قشون و از ارکان ستاد ارتش بود. افزون بر تأمین احتیاجات نظامی از قبیل لباس، چادر و اسلحه، تهیه آذوقه، سوخت،

چراغ روشنایی و قاطر - جهت بارکشی - نیز از وظایف شعبه تدارکات ارتش بود (تاریخ ارتش نوین ایران، بی تا: ۶۳، ۶۲). از آنجا که تدارکات یکی از بخش‌های مهم ارتش به شمار می‌آید و بدون آن نظامیان قادر به انجام وظایف نظامی‌گری خود نیستند، بنابراین جهت تأمین مایحتاج و اعتبارات مربوط به آن، سرهنگ رضاخان در اوایل تابستان ۱۳۰۳ مسئولیت تدارکات نظامیان را در لرستان به عهده گرفت (امیراحمدی، ۱۳۷۳: ۸۸). در همین زمان کمیسیونی به دستور امیراحمدی به ریاست فرمانده فوج مرگ، فرمانده گردان، یک نفر مباشر از هر فوج و چند نفر از معتمدین شهر خرم‌آباد تشکیل شد تا افزون بر تأمین تدارکات، نرخ خرید مواد غذایی را تنظیم و اختلاف بین کسبه و نظامیان را مرتفع سازد. همچنین کمیسیون فوق مبلغی از اعتبارات اردوی لرستان را جهت حمایت از منافع فروشنده پرداخت نمود (امیراحمدی، ۱۳۷۳: ۶۳).

تهیه تدارکات ارتش - که در سالهای حکومت رضاشاه به «سررشته‌داری» معروف بود - گاهی به افراد غیرنظامی و سرمایه‌دار هم سپرده می‌شد (قراگوزلو، ۱۳۸۸: ۵۶ و ۵۷) از جمله این افراد در لرستان حاج علی اصغر ناصری خرم‌آبادی از تجار معروف شهر بود که مایحتاج ارتش را برای مدت دو سال برآورد نمود (مصاحبه شفاهی با نجم‌الدین مصدق ۲۶/۹/۱۳۹۵). امیر امنع یاراحمدی، از خوانین با نفوذ در منطقه سیلاخور، نیز از دیگر افرادی بود که در تأمین تدارکات ارتش همکاری کرد (آرشیو اسناد و کتابخانه ملی غرب کشور/ همدان، سند ش ۹۱/۲۸۰/۵۹).

تدارکات ارتش به خاطر کوهستانی بودن لرستان معمولاً به وسیله قاطر حمل می‌شد. چون قاطرهای ارتش برای این منظور کافی نبود، بنابراین در مواقعی نیز تعدادی قاطر از ایلات و عشایر از اعتبارات اردوی لرستان کرایه می‌شد (آرشیو اسناد و کتابخانه ملی غرب کشور/ همدان، سند ش ۹۱/۲۸۰/۱۰۳). با وجود اعتبارات تخصیص یافته در پاره‌ای از موارد نظامیان از صاحبان مال، چارپایان باربر را گرفته و ضبط می‌نمودند که این خود موجب نارضایتی مردم از سوءرفتار ارتش می‌شد (کرونین، ۱۳۷۷: ۳۷۷) از دیگر تدارکات ارتش، تهیه علوفه از قبیل کاه و جو جهت تغذیه چارپایان بود. براساس نامه‌ای بدون تاریخ که احتمالاً مربوط به سال ۱۳۰۵ است ارتش پنجاه خروار کاه به ارزش خرواری شانزده ریال از اعتبارات مالیه قشون از سیف‌اله خان والیزاده - معتمد محلی شهر خرم‌آباد - خریداری نمود. امیرلشکر غرب نیز در همین سال سیزده خروار جو با استفاده از اعتبارات مالیه از امیر امنع یاراحمدی خریداری کرد و جنس خریداری شده هم توسط سروان علی اصغر خان

رئیس ارکان اداری ارتش تحویل گرفته شد (آرشیو اسناد و کتابخانه ملی غرب کشور/ همدان، اسناد ش ۹۱/۲۸۰/۱۵۰ و ۹۱/۲۸۰/۵۹).

خرید گندم جهت تهیه نان برای سربازان از اقلام مصرفی بود که شعبه تدارکات موظف به تأمین آن بود. بدین منظور سروان علی اصغر خان مقادیری گندم، جهت مصرف نان فوج گاردسپه و فوج مظفر در سال ۱۳۰۵ تهیه کرد ولی به دلیل کمبود اعتبار، در فروردین ۱۳۰۶ بهای آنها را به صاحبان مال پرداخت نمود. در همین سال گندم کدخدایان طایفه فلک‌الدین - از طوایف منطقه نورآباد لرستان - به ارزش خرواری ۸ تومان خریداری شد و بهای آنها توسط گروهبان سید عطاءالله خان نقداً پرداخت شد (آرشیو اسناد و کتابخانه ملی غرب کشور/ همدان، سند ش ۹۱/۲۸۰/۵۹). همچنین تهیه کالاهای نظیفی مانند پنبه، صابون، جارو، متقال و چلووار (آرشیو اسناد و کتابخانه ملی غرب کشور/ همدان، سند ش ۹۱/۲۸۰/۱۱۱)، بنزین، روغن، نفت و اثاثیه مورد نیاز (آرشیو اسناد و کتابخانه ملی غرب کشور/ همدان، سند ش ۹۱/۲۸۰/۱۰۳) برای سربازان ضرورت داشت که بر اساس اسناد موجود، مبالغی هم در این موارد هزینه می‌شد. به گفته‌ی محمدی (۱۳۷۹: ۸۴) که جهت روشن کردن چراغ‌ها نفت ۸ لیتری ۱۸ ریال بود (محمدی، ۱۳۷۹: ۸۴) که جهت روشن کردن چراغ‌ها استفاده می‌شد.

۸. نتیجه‌گیری

در سالهای حکومت رضاشاه، تخصیص اعتبارات ویژه و به دنبال آن پرداخت عایدات مالی به منطقه جنگی لرستان جهت انجام برنامه‌های دولت اهمیتی فراوان داشت اما این مهم بدون نظارت فرماندهان ارتش به نتیجه نمی‌رسید زیرا این منطقه از ابتدای ورود قوای نظامی تا سالهای فرماندهی سرهنگ علی رزم‌آرا توسط حاکمان نظامی اداره می‌شد. به عبارت دیگر نظامی‌گری خودکامه بر تمام شئون لرستان به ویژه دخالت در تأمین اعتبارات و نظارت بر دخل و خرج برنامه‌های دولت سایه افکنده بود. فرماندهان نظامی و افسران تحت امر آنها در اموری مانند جذب سران ایلات و عشایر، مدرسه‌سازی، احداث برج‌ها و قلعه‌های نظامی - رعیتی، اعتباراتی را از وزارت جنگ درخواست نموده، پس از تأمین اعتبار از طریق اداره مالیه قشون، در امور ذکر شده هزینه می‌نمودند. علاوه بر این بخشی از اعتبارات وزارت جنگ به صورت حقوق افسران ارتش و دیگر کارکنان آن و همچنین

تأمین تدارکات نظامی - رفاهی ارتشیان پرداخت می شد که با انگیزه‌هایی چون ایجاد امنیت در منطقه و به دنبال آن اجرای برنامه‌های دولت صورت می گرفت.

کتاب‌نامه

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۲). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹). *تاریخ ایران مدرن*، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- ادموندز، جان سیسیل (۱۳۶۲). *یادداشت‌های سفر لرستان*، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند، تهران: آرون.
- اردلان، عزالممالک (۱۳۸۳). *خاطرات حاج عزالممالک اردلان*، به کوشش باقر عاقلی، تهران: نامک
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۹۱). «رضاشاه و لرها»، *مجموعه مقالات*، خرم‌آباد: اردی بهشت جانان.
- امیراحمدی، احمد (۱۳۷۳ الف). *اسناد نخستین سپهبد ایران*، به کوشش سیروس سعدوندیان، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- امیراحمدی، احمد (۱۳۷۳ ب). *خاطرات نخستین سپهبد ایران*، به کوشش غلام‌حسین زرگری‌نژاد، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- ایزدپناه، حمید (۱۳۷۸). *تاریخ و جغرافیای اجتماعی لرستان*، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- ایوانف، م.س (۱۳۵۶). *تاریخ ایران نوین*، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم پناه، تهران: حزب توده.
- بهرامی، روح‌الله (۱۳۷۷). «سیاست قومی پهلوی اول در قبال قوم لر»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، س ۱، شماره ۱، ص ۸۵-۱۲۵.
- پهلوی، رضاشاه (۱۳۰۳). *سفرنامه خوزستان*، تهران: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی.
- تاریخ ارتش نوین ایران از ۱۳۰۰-۱۳۲۰*، ج ۱، (بی تا) تهران: ستاد بزرگ ارتشتاران.
- دالوند، حمیدرضا (۱۳۸۵). *انقلاب اسلامی در لرستان*، ج ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دالوند، حمیدرضا (۱۳۸۸). *تاریخ و معماری دژ شاپورخواست*، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری.
- رحمتی، محسن و محمد دالوند (۱۳۹۶). «نقش خوانین و متنفذین در برقراری امنیت در لرستان در عهد پهلوی اول»، *فصلنامه تحقیقات تاریخ اجتماعی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره اول، ص ۱۵۳-۱۳۷.
- رزم‌آرا، علی (۱۳۹۳). *خاطرات و اسناد سپهبد حاج علی رزم‌آرا*، به کوشش کامبیز رزم‌آرا و کاوه بیات، تهران: پردیس دانش.
- روستایی، محسن (۱۳۷۹). *اعتضاد فرهنگ*، تهران: علوم و فنون.
- ستوده، یداله (۱۳۸۸). *شورش لرستان*، لرستان به روایت اسناد، خرم‌آباد: شاپورخواست.

- سراجی، روح‌الله (۱۳۸۸). *نیم قرن خاطرات یک معلم*، خرم‌آباد: شاپورخواست.
- شاه‌بختی، محمد (۱۳۷۳). *عملیات لرستان، اسناد سرتیپ محمدشاه بختی (۱۳۰۶ و ۱۳۰۳)*، به کوشش کاوه بیات، تهران: شیرازه.
- غضنفری امرایی، اسفندیار (۱۳۹۳). *تاریخ غضنفری*، به کوشش اسعد غضنفری و یدالله ستوده، خرم‌آباد: شاپورخواست.
- غنی، سیروس (۱۳۷۸). *ایران، برآمدن رضاخان، برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها*، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نیلوفر.
- فراهانی، حسن (۱۳۸۵). *روزشمار تاریخ معاصر ایران*، ج ۲، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- فرمانفرما، عبدالحسین میرزا (۱۳۶۶). *گزیده‌ای از مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا*، ج ۲، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
- فوران، جان (۱۳۹۰). *مقاومت شکننده*، ترجمه احمد تدین، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- قاسمی، فرید (۱۳۷۸). *خرم‌آبادشناسی*، ج ۳، خرم‌آباد: افلاک.
- قاسمی، فرید (۱۳۹۰). *اسناد خرم‌آباد*، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- قراگوزلو، غلامحسین (۱۳۸۸). *جنگهای لرستان*، تهران: اقبال.
- کاسب، عزیزاله (۱۳۶۸). *منحنی قدرت در ایران*، تهران: چاپ تابش.
- کسروی، احمد (۱۳۹۰). *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: نگاه.
- کرونین، استفانی (۱۳۷۷). *ارتش و حکومت پهلوی*، ترجمه غلام‌رضا علی بابایی، ویرایش محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: خجسته.
- کرونین، استفانی (۱۳۸۷). *رضاشاه و شکل‌گیری ارتش نوین*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی.
- محمدی، ماشاءالله (۱۳۷۹). *خاطرات من از خرم‌آباد قدیم*، خرم‌آباد: افلاک.
- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۹۵). *رساله لرستان و لرها*، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند و لیلی بختیار، تهران: آرون.
- والیزاده معجزی، محمدرضا (۱۳۸۳). *تاریخ لرستان روزگار پهلوی*، ویرایش غلامرضا عزیززی، تهران: حروفیه.
- یکرنگیان، میرحسین (۱۳۲۶). *گلگون کفنان، گوشه‌ای از تاریخ نظامی معاصر*، تهران: معاصر.

مجموعه اسناد

آرشیو اسناد و کتابخانه ملی ایران شماره بازیابی، ۲۹۰۵۷۷، ۱۲۰۹۹-۲۴۰، ۲۹۷۲۷۷۱۷، ۲۹۷۰۳۷۸۰، ۲۹۳-۱/۶۳۶-۶.

۱۰۶ توزیع اعتبارات مالی در لرستان در عهد پهلوی اول

آرشیو سازمان اسناد ملی غرب کشور/ همدان، شماره‌های بازیابی ۹۱/۲۸۰/۶۲، ۹۱/۲۸۰/۱۰۳، ۹۱/۲۸۰/۵۷، ۹۱/۲۸۰/۴۰، ۹۱/۲۸۰/۱۴۷، ۹۱/۲۸۰/۱۰۸، ۹۱/۲۸۰/۱۱۱، ۹۱/۲۸۰/۲، ۹۱/۲۸۰/۵۹، ۹۱/۲۸۰/۱۵۰.

اسناد نصرت اسکندری، لرستان، خرم آباد.

روزنامه‌ها

اطلاعات، سال سوم، ۱۹ آذر ۱۳۰۷، شماره ۶۵۱.

اطلاعات، سال هفتم، ۱۲ تیر ۱۳۱۱، شماره ۲۲۲۶

جبل‌المتین، سال سی و ششم، ۲۵ اردی‌بهشت ۱۳۰۷، شماره ۲۳.

جبل‌المتین، سال سی و هفتم تیرماه ۱۳۰۸، شماره ۲۴ و ۲۵.

جبل‌المتین، سال سی و هفتم، ۲ مهر ۱۳۰۸، شماره ۴۱ و ۴۱.

ناهید، سال هفتم، ۱۷ فروردین ۱۳۰۷، شماره ۱۴.

مصاحبه

مصاحبه با آقای نجم‌الدین مصدق، لرستان، ۱۳۹۵/۹/۲۶.